

معرفت‌شناسی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

براساس نظریه‌ها و ایده‌های امنیتی براساس معرفت دینی با تأکید بر نظریات امام خمینی

حسین عساریان نژاد*

دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

سیدحسین عقیلی

دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

چکیده

با توجه به تأثیرگذاری قطعی روش‌شناسی در شناخت علوم به‌معنای اعم، به‌ویژه علوم انسانی، مطالعات بنیادین برای کشف آن به‌عنوان مبادی دستیابی به علوم انسانی اسلامی در همه عرصه‌ها از جمله مطالعات و مکتب امنیتی به‌شمار می‌آید. روش‌شناسی مطلوب منبعث از آموزه‌های اسلامی، قابلیت و ظرفیت شناخت و کشف قوانین و سنت‌های لایتغیر الهی را فارغ از معرفت‌های فردی مبتنی بر نسبی‌گرایی با رویکرد استناد قطعی و مستحضر به حجیت دینی برای سایرین، خواهد داشت. مدعای این مقاله آن است که این شیوه در کشف حقیقت علم، همان روش اجتهادی پویای منبعث از منابع چهارگانه در شناخت قوانین اسلام است و این شیوه در مطالعات و مکتب امنیتی نیز حاکم است. این ایده با بهره‌گیری از دیدگاه‌های ارائه شده در شیوه‌های اعلام و شاگردان حکمت متعالیه در تبیین روش‌شناسی اجتهادی اسلام در حوزه علوم انسانی برای دستیابی به روش‌شناسی در مطالعات امنیتی با تأکید بر مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تبیین خواهد شد.

کلید واژه‌ها

معرفت‌شناسی، امام خمینی، محیط امنیتی، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

امنیت با موجودیت و عملکرد بهینه نظام‌های سیاسی - اجتماعی مرتبط است و همواره دول‌ها بوده‌اند که سیاست‌گذاری امنیتی را در حوزه‌های مختلف، برعهده داشته‌اند. از این‌رو، به‌عبارت دیگر، امنیت، به‌عنوان امری سیاسی در نظر گرفته شده است (Holsti, 1996: 108). هرچند جوانب متفاوت فردی یا جمعی و یا ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد، اما چون با قدرت و عملکرد دولت مرتبط می‌شود، به‌صورت امری سیاسی و در نتیجه، به‌مثابه یکی از موضوعات اصلی نظریه سیاسی پدیدار می‌شود. پیوند امنیت با حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، می‌تواند به‌مثابه چندبعدی بودن ویژگی آن در نظر گرفته شود؛ بنابراین، امنیت به‌عنوان امر سیاسی که در درجه اول مرتبط با قدرت. (Alkire, 003: 8-30) است، می‌تواند با مفاهیم و مقولات دیگری همچون هویت، عدالت، آزادی و تربیت اخلاقی (فردی و جمعی ارتباط پیدا کند.

امنیت به‌مثابه امر سیاسی و مرتبط با موضوعاتی چون حکومت، دولت و قدرت، می‌تواند مطابق با انواع مختلف و متفاوت ارزش‌های سیاسی - اخلاقی، ناظر بر انواع مختلف دولت‌ها و نظام‌های حکومتی، مورد داوری، تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. به‌بیان دیگر، در قالب انواع مختلف نظام‌های حکومتی و بسته به نوع ارزش‌های سیاسی - اخلاقی که آن نظام در مورد انسان و اجتماع سیاسی پی‌گیری می‌کند، مورد قضاوت قرار گیرد. مطابق با همین معیارهای سیاسی - اخلاقی است که می‌توان از امنیت خوب یا عادلانه در مقابل امنیت بد یا ناعادلانه در حکومت سخن به‌میان آورد. پیوند مفهوم امنیت با همین ارزش‌های سیاسی - اخلاقی است که بررسی امنیت در قالب اندیشه سیاسی یا فلسفه سیاسی را ضروری می‌سازد، چرا که امنیت برخلاف آن‌چه الگوی معرفت - روش‌شناختی پوزیتیویستی یا رویکردهای واقع‌گرا در حوزه نظریه سیاسی، ادعای آن‌را دارند، مفهومی عام، عینی و مبتنی بر ارزش‌های عام و عینی نیست که مستلزم تحلیل و داوری بدون استناد به جهان‌بینی‌های مختلف نظام‌های حکومتی و ارزش‌های اخلاقی - سیاسی مرتبط با این جهان‌بینی‌های مختلف و متفاوت باشد. از این‌رو، تحلیل و داوری امنیت در قالب فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی، به‌مثابه نظریه‌های سیاسی هنجاری که امنیت را ضرورتاً از دریچه ارزش‌های سیاسی امنیت و ارزش‌های آن در اندیشه سیاسی اسلام اخلاقی ناظر بر انواع نظام‌های حکومتی مورد تحلیل و داوری قرار می‌دهند، به‌ویژه آن‌جایی که مسئله تحلیل و ارزیابی مفهوم امنیت در قالب نظام حکومتی اسلامی به‌مثابه نظامی که ارزش‌های سیاسی - اخلاقی خاصی را مورد تأکید قرار می‌دهد، ضرورت پیدا می‌کند. (Taylor, 1967: 5-40)

با تأکید بر پیوند امنیت و اندیشه سیاسی به‌مثابه نظریه‌ای هنجاری، در این مقاله به طرح و دفاع از این استدلال می‌پردازیم که در قالب فلسفه سیاسی یا اندیشه سیاسی اسلامی، امنیت بر پایه ارزش‌های سیاسی - اخلاقی مرکزی و ناظر بر کرامت دنیوی و اخروی انسان مورد تحلیل و داوری قرار می‌گیرد. کرامت دنیوی انسان، بر پایه ارزش‌های سیاسی - اخلاقی، ناظر بر آگاهی و آزادی انسان نسبت به خیر و شر یا سعادت و شقاوت و کرامت اخروی انسان، بر پایه ارزش غایی سعادت و کمال ابدی انسان در جهان پس از مرگ، تعریف می‌شود.

اندیشه سیاسی اسلامی، مستلزم برقراری جامعه‌ای سیاسی و نظامی حکومتی است که به زمینه‌سازی و صیانت از امنیت انسان‌ها نسبت به آگاهی و آزادی در زندگی دنیوی و کمال و سعادت ابدی در زندگی اخروی بپردازد. زمینه‌سازی آگاهی و آزادی، در بستر همزیستی، بهزیستی و توسعه مدنی در زندگی دنیوی، به‌واسطه شناخت تجربی و تاریخی بشر نسبت به بعد دنیوی وجود انسانی قابل حصول خواهد بود. این در حالی است که کمال و سعادت ابدی در زندگی اخروی، با توسل به ایمان دینی نسبت به بعد متعالی هستی و انسان و زندگی پس از مرگ قابل دستیابی است.

امنیت در زندگی دنیوی بر مبنای ارزش‌های آگاهی و آزادی انسانی و ضرورت توجه به نیازهای مرتبط با بعد دنیوی وجود انسانی که در دایره شناخت تجربی و تاریخی بشری قرار می‌گیرد، قابل داوری خواهد بود. در مقابل، امنیت در زندگی اخروی، بر مبنای ارزش‌های ناظر بر کمال و سعادت ابدی و ضرورت توجه به بعد متعالی وجود انسانی که ضرورتاً موضوع ایمان دینی است، به‌دست خواهد آمد.

نوآوری پژوهش حاضر، در مقایسه با پژوهش‌هایی که در موضوع روش‌شناسی امنیت به‌عمل آمده، در توجه به این نکته نهفته است که در این تحقیق نسبت به دو بعد متفاوت متعالی و دنیوی وجود انسانی در اندیشه سیاسی اسلامی و منابع معرفتی در بعد امنیت شده است. پژوهش‌های پیشین، تفاوت‌های این دو بعد وجود انسانی و اقتضائات معرفتی، ارزش‌ها و منطق هرکدام از آن‌ها را چندان مورد توجه قرار نداده‌اند و این مسئله تا حدودی موجب ابهام و پیچیدگی موضوع شده است.

ضرورت و اهمیت پیگیری موضوع

روش‌شناسی مطالعات اسلامی از جمله علوم امنیتی براساس آموزه‌های اسلامی و ارائه الگویی کاربردی براساس نظریه مبنا و پایه روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی باید براساس متدولوژی و روش‌شناسی اجتهادی تبیین شود. همان‌گونه که روش‌شناسی‌های مختلف پوزیتیویستی مبتنی بر مشاهده و تجربه عینی، پدیدارشناسی، هرمنوتیک، اگزیستانسیالیستی، مارکسیستی، انتقادی، ساختارگرایی، فراساختارگرایی، پست مدرنیستی و ... در مکاتب امنیتی مختلفی بروز و ظهور پیدا کرده است که مقوم و تبیین‌کننده بنیان‌های نظری آن مکتب بوده و در جهت کارآمدی گفتمان خاص مبتنی بر انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی آن، مؤثر و مفید خواهد بود. بدیهی است با توجه به مفهوم‌شناسی امنیت در اسلام، روش مطلوب برای فهم، کشف و تبیین مطالعات اسلامی در امنیت مبتنی بر بنیان‌های نظری اسلامی بر پایه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی متفاوت خواهد بود. این روش، کارآمدی گفتمان اسلامی در مطالعات اسلامی امنیت را ارائه خواهد کرد. بدیهی است دستیابی به روش‌شناسی اسلامی در موضوع امنیت، مسیر نظریه‌سازی اسلامی مبتنی بر کشف معارف اسلامی درخور امنیت را نیز هموار خواهد کرد و پس از آن معماهای امنیتی مبتنی بر رویکرد اسلامی به قابلیت پاسخگویی درونی و ارائه راه‌حل سازگار با بنیان‌های اسلامی، امکان‌پذیر خواهد شد. در این مرحله، نظریه جامع امنیتی از منظر اسلام مبتنی بر تعیین ابعاد، سطوح، کارگزاران، غایت، تهدیدها، مسایل، فرصت‌ها، راهبردها و راهکارهای امنیتی در مقابل سایر مکاتب و نظریه‌ها خودنمایی می‌کند و با دستیابی به کارآمدی در جهت تعالی و تکامل انسانیت در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی در دنیا و آخرت موجب الگوسازی و در نهایت الهام‌بخشی حداکثری در الگوی مصونیت‌بخشی ملت‌ها و کشورهای اسلامی و آزاده جهان به‌منظور دستیابی و مصونیت‌بخشی تمدن بین‌المللی اسلامی با اتکا به‌احیای دین و رویکرد بازگشت به‌اسلام خواهد شد. با توجه به مبانی و روش‌شناسی اجتهادی یاد شده، مطالعات امنیتی و مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز در چارچوب کلان علوم انسانی اسلامی، لازم است برای استخراج آن از متون دینی، به‌صورت نظام‌مند، اکتشافی و اجتهادی مراحل به‌صورت کاربردی و نظری به صورت زیر طی شود:

ضرورت نظری

1- خلا ناشی از فقدان روش‌شناسی امنیتی، به‌سهم خود، به تداوم وابستگی در تفکر و مطالعات امنیتی می‌انجامد؛ به‌همین جهت شاید اقدام به طراحی چنین الگویی، گامی اثربخش در برطرف کردن نقیصه موجود و تولید نظرات بومی و متکی بر سیاست‌های ابلاغی و اسناد بالادستی در حوزه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد؛

2- فقدان الگوی بومی شناخت روش‌شناسی امنیتی، مشکلات عدیده‌ای را به‌وجود آورده که از جمله آن‌ها، تشتت آراء، برداشت‌های ناهمگون و بعضاً متعارض از منافع امنیتی ملی، رویکردهای پراکنده در تشخیص محیط امنیتی، ناهماهنگی و اختلاف‌نظر در اولویت‌بندی سامان‌دهی محیط داخلی و محیط خارجی، اولویت‌بندی منافع و اهداف امنیتی ملی و همچنین کنش‌های تنش‌زا و تقابل‌گرایانه در میان برخی بازیگران محیط ملی از آن جمله می‌باشند.

ضرورت کاربردی

فقدان الگوی بومی شناخت روش‌شناسی امنیتی، مشکلات عدیده‌ای را به‌وجود آورده که از جمله آن‌ها، تشتت آراء، برداشت‌های ناهمگون و بعضاً متعارض از منافع امنیتی ملی، رویکردهای پراکنده در تشخیص محیط امنیتی، ناهماهنگی و اختلاف‌نظر در اولویت‌بندی اهداف مورد تعقیب در محیط امنیتی و همچنین کنش‌های تنش‌زا و تقابل‌گرایانه در میان برخی نخبگان از آن جمله می‌باشند. این مشکلات باعث بی‌ثباتی، ناپایداری، تهدید محیط امنیتی و افزایش هزینه‌های امنیتی بوده و از پیامدهای فقدان الگوی بومی روش‌شناسی امنیتی ما می‌باشند.

سئوالات و فرضیه‌های قابل‌تعمیم

روش‌شناسی مطلوب منبعث از آموزه‌های اسلامی، قابلیت و ظرفیت شناخت و کشف قوانین و سنت‌های لایتغیر الهی را فارغ از معرفت‌های فردی مبتنی بر نسبی‌گرایی با رویکرد استناد قطعی و مستحضر به حجیت دینی برای سایرین، خواهد داشت. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال می‌باشد که روش‌شناسی مطلوب و موثر در جهت امنیت جمهوری اسلامی ایران چه می‌باشد؟ فرض ما در مقاله هم بر این مدعا استوار است که روش‌شناسی مطلوب منبعث از آموزه‌های اسلامی، قابلیت و ظرفیت شناخت و کشف قوانین و سنت‌های لایتغیر الهی است. این شیوه در کشف حقیقت علم، همان روش اجتهادی پویا منبعث از منابع چهارگانه در شناخت قوانین اسلام است و این شیوه در مطالعات و مکتب امنیتی نیز حاکم است. این ایده با بهره‌گیری از دیدگاه‌های ارائه شده در شیوه‌های اعلام و شاگردان حکمت متعالیه در تبیین روش‌شناسی اجتهادی اسلام در حوزه علوم انسانی برای دستیابی به روش‌شناسی در مطالعات امنیتی با تأکید بر مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تبیین خواهد شد.

ادبیات تئوریک موضوع

به‌نظر می‌رسد که در یک مرحله، شناخت محیط، مستلزم شناخت دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف امنیتی است. نکته دیگر اینکه، با وجود اجتماع متغیرهای انتزاعی و انضمامی فراوان در شکل‌دهی به محیط و کارکردهای آن، اساساً محیط در کلیت خود تابع معنا و عوامل هویت‌دهنده خود است. به یک اعتبار، کارکردهای محیط، به آن هویت و ارزش می‌دهد و این کارکردها با پسوندی که همراه آن به‌کار می‌روند، قابل‌شناسایی‌اند. در این معنا، محیط، به‌خودی خود فاقد ارزش اصلی بوده و آن‌چه که به محیط ارزش و هویت می‌دهد، کارکردها و قابلیت‌های آن در رابطه با رفع نیازهای انسان است. در حوزه مباحث محیط امنیتی، نقش کلیدی محیط در حیات جمعی انسان، در ارتباط تنگاتنگ آن با امنیت ملی، شناخته می‌شود. مفاهیمی مانند محیط امنیتی، محیط منافع ملی، محیط فرهنگی، محیط قدرت، محیط ایدئولوژیک و دیگر مفاهیمی از این قبیل، نشان‌دهنده معنا، کارکرد، هویت، ارزش و مزیت‌های محیط است. به‌همین جهت گفته شده، محیط همواره تابع پسوندهای خود است (عصاریان نژاد، 1389).

براساس آن‌چه که اشاره شد، مجموعه مؤلفه‌های انتزاعی محیط، منشأ بروز تنوع دیدگاه‌ها در مورد محیط است. از یک‌سو، امنیت و امنیت ملی نیز در زمره کلیدی‌ترین عوامل معنا بخش و تعیین‌کننده کارکرد محیط است. از سوی دیگر، امنیت در هر محیطی (جامعه) براساس ارزش‌ها و هنجارهای آن شناخته می‌شود و هنجارها بر امنیت تأثیرگذارند. بنابر

این، بازشناسی و تبیین رویکردهای مکاتب امنیتی نسبت به امنیت، در شناخت محیط امنیتی، عامل تعیین کننده است. به اعتبار تبعیت پذیری امنیت از هنجارها، ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم بر محیط، تبیین چستی، چرایی امنیت و سایر مباحث مرتبط با آن مانند مرجع امنیت، غایت امنیت، ماهیت تهدیدات و فرصت‌های محیطی و غیره می‌تواند در دستیابی به چهارچوب منسجمی برای شناخت محیط امنیتی مؤثر باشد (افتخاری، 1384). بر این اساس، بررسی بنیان‌های نظری امنیت در گفتمان اسلام، در فهم محیط مؤثر و سودمند خواهد بود. با این ملاحظه، موضوعات مرتبط با امنیت باید در فقه و گفتمان ولایت فقیه بررسی خواهد شد.

امنیت هستی‌شناختی، بعد جدیدی است که در دهه اخیر بر ابعاد امنیت افزوده شده است. این بعد از امنیت، متأثر از چندین مکتب نظری و عملی، نظیر روان‌کاوی، نظریه روابط اشیا، نظریه مدیریت عدم قطعیت و نظریه مدیریت ترس و هراس و خصوصاً با اتکا به نظریه‌های آنتونی گیدنز و باتلر، چارچوب‌بندی شده است.

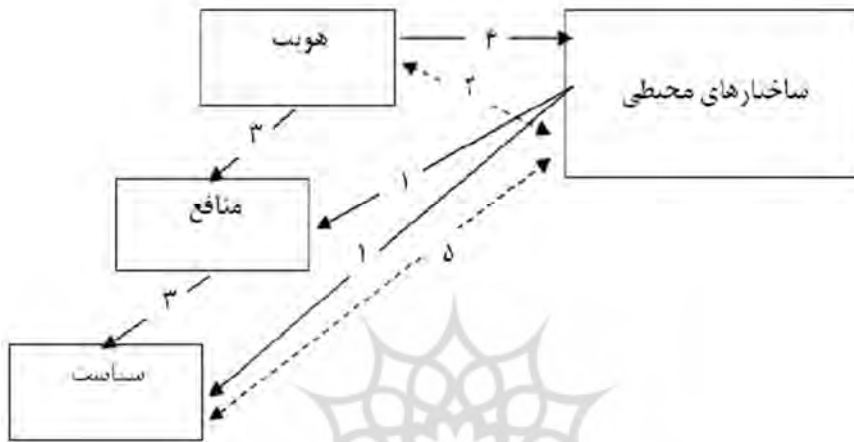
این ادعا که امنیت هستی‌شناختی، نیاز اولیه و اصلی است، با این گزاره شروع می‌شود که بازیگران از عدم اطمینان و عدم حتمیت به‌عنوان تهدید هویتی، در هراسند (نمودار 1). نامنی هستی‌شناختی به وضعیتی اشاره دارد که در آن، شخص به ناتوانی عمیقی دچار شده و نمی‌داند با چه خطرهایی مقابله کند و کدامیک را نادیده انگارد. برعکس، امنیت هستی‌شناختی، وضعیتی است که در آن، فرد انتظارات مطمئنی راجع به روابط بین ابزار و اهداف دارد که بر زندگی اجتماعی وی حاکم است. فرد برخوردار از امنیت هستی‌شناختی، می‌داند چگونه اقدام کند و در نتیجه، چگونه خودش باشد. به همین اعتبار، جوامع برای تأمین هویت و تثبیت و تمایز آن با دیگران، در پی ثبات شناختی و معرفتی هستند. عادت به وضعیتی نسبتاً ثابت، نوعی اطمینان را به‌همراه دارد و دگرگونی و نامعلوم بودن آینده، همراه با ناامنی است. عنصر اصلی جامعه، هویت و تثبیت و تمایز آن از سایر جوامع است. یکی از راه‌های حفظ تمایز و تفاوت گروه‌ها، حفظ و عادی‌سازی روابط با سایر گروه‌هاست. چنین عادت‌های روزمره بین گروهی و بین کشوری، به انسجام و یکپارچگی هویت گروه‌ها کمک می‌کند. بنابراین، می‌توان کشورها را به‌گونه‌ای تصور کرد که تنها برای تأمین امنیت فیزیکی خود تلاش نمی‌کنند، بلکه برای حفظ هویت گروهی ملی تهییج و تحریک می‌شوند. ابتدای نیازهای گروهی به امنیت هستی‌شناختی بر نیازها و احتیاجات فردی، حاکی از آن است که نهادهای دولتی صرفاً برآیند نظرات تصمیم‌گیرندگان نیستند. هم‌چنین، دولت‌ها تصویرهایی از خود به نمایش می‌گذارند که اعضا به‌طور پیچیده‌ای به آن‌ها وابستگی خواهند داشت (شهبان، 1388: 64-74).

فلسفه امنیت ابعاد گسترده‌ای دارد. در این مقاله، فلسفه امنیت در یک معنا مورد بررسی قرار می‌گیرد. تبیین این معنا مقارن با ارائه چارچوب نظری بحث نیز خواهد بود. به نظر فلاسفه، هر امر حادثی نیازمند چهار علت است: علت مادی، صوری، فاعلی و غایی. به یک معنا، وقتی از فلسفه پدیده‌ای که نبوده و به‌وجود آمده است پرسش می‌کنیم، در واقع، از این چهار علت سوال کرده‌ایم (مصباح یزدی، 1366) از این منظر، هرگاه از فلسفه امنیت پرسش‌وجو کنیم، چهار پرسش زیر مدنظر است: 1. علت مادی امنیت چیست؟، 2. علت صوری امنیت چیست؟، 3. علت فاعلی امنیت چیست؟ و 4. علت غایی امنیت چیست؟

برای اینکه، پرسش‌های فلسفی مذکور، به ادبیات رایج در متون امنیتی نزدیک شود، می‌توانیم این پرسش‌ها را به این شکل نیز مطرح کنیم: الف: پرسش‌های علت مادی: 1. مبانی امنیت چیست؟، 2. منابع تولید امنیت چیست؟ ب: پرسش‌های علت صوری: 1. سطوح امنیت چیست؟، 2. انواع امنیت چیست؟ ج: پرسش‌های علت فاعلی: 1. افراد و کارگزارانی که شایستگی دارند تولید و حفاظت از امنیت به آن‌ها سپرده شود، چه شرایطی دارند؟، 2. نهادها و

سازمان‌هایی که شایستگی دارند تولید و حفاظت از امنیت به آن‌ها سپرده شود، چه شرایطی دارند؟ د: پرسش‌های علت غایی: 1. مرجع امنیت چیست؟، 2. هدف از تولید امنیت چیست؟
 در مباحث آتی، با بهره‌گیری از چارچوب نظری فوق که برگرفته از فلسفه اسلامی است، دیدگاه امام خمینی (ره) درباره فلسفه امنیت را ارائه می‌کنیم.

نمودار 1- سطوح مختلف محیط امنیتی



(Jepperson & Wendt & Katzenstein, 1996: 68)

بررسی و پوشش محیطی

بعد دنیوی وجود انسان، دلالت بر کرامت انسانی در زندگی دنیوی به لحاظ ضرورت آگاهی و آزادی وی در انتخاب خیر و شر، به مثابه شرط امکان سعادت اخروی و فراهم ساختن بسترهای طبیعی و اجتماعی آن دارد. امنیت در این بعد، به صورت سلبی، مستلزم امان‌یابی در مقابل انواع تهدیدات طبیعی و اجتماعی است که آگاهی و آزادی انسانی را متأثر می‌سازد و به صورت ایجابی، متضمن ایجاد بسترهای رشد و توسعه مدنی در حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است. امنیت در مقابل جهل تحمیل شده، فقر و نابرابری و سلطه‌گری داخلی و خارجی، مصادیق اصلی وجه سلبی امنیت در بعد دنیوی و در مقابل، بهزیستی و توسعه مدنی، در جهت رشد عقلانی - اخلاقی جامعه در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، از مصادیق عمده وجه ایجابی امنیت در بعد دنیوی وجود انسانی است. بدین ترتیب، امنیت در این بعد، ناظر بر خیرات و مصالح دنیوی است.

امنیت در برابر جهل تحمیل شده

امنیت مدنی در اندیشه سیاسی اسلام، مستلزم ایمن بودن در برابر جهل تحمیل شده است. جهل تحمیل شده در مقایسه با جهل خود خواسته، دلالت بر شرایطی دارد که در آن، عوامل بیرون از خواست و اراده افراد موجب جهالت فردی یا جمعی و در نتیجه، بازماندن از امکان پرورش اخلاقی - عقلانی و توسعه مدنی می‌شود. این عوامل را می‌توان به دو دسته طبیعی و اجتماعی تقسیم کرد. یکی از رسالت‌های اصلی اسلام، به‌ویژه در شرایط محیطی شبه جزیره عربستان آن زمان، مبارزه یا امان‌یابی در برابر جهالتی بوده است که ریشه در شرایط محیطی - اجتماعی داشته و اعراب

را از ارتباطات گسترده و کسب آگاهی از دنیای خارج و هدایت آن‌ها به سمت ایجاد اجتماع مدنی فراگیر، باز می‌داشت (شهیدی، 1364: 4-6).

تأکید بر تمرکز قبایل پراکنده اعراب در قالب شهرهای بزرگ یا دعوت به زندگی مدنی در مقابل بدوی، دعوت به اتحاد قبایل بر پایه آرمان‌ها و باورهای وحدانی در مقابل باورهای کفرآمیز و بت‌پرستانه که منشأ منازعات قبیله‌ای و موجب تفرقه و نفاق و در نتیجه، تنزل سطح مدنیت بوده است، دعوت به کشاورزی و حفر چاه‌هایی چون زرم، دعوت به تقویت و توسعه شهرهایی هم‌چون مکه و مدینه و مراکز تصمیم‌گیری و مشاوره جمعی که پیش از بعثت در قالب دارالندوه صورت می‌گرفت و پس از بعثت، در قالب مسجد به‌مثابه مرکزی عبادی - سیاسی نمود یافت، دعوت به برقراری ارتباط و کسب آگاهی از احوال مردمان دیگر جوامع به‌واسطه مسافرت و تجارت و در نهایت، دعوت به یادگیری خواندن و نوشتن و علم‌آموزی از دیگر جوامع برای کسب مهارت‌های مربوط به کنترل و مهار طبیعت، در مجموع، راهبردهایی بود که اسلام برای مبارزه با جهل تحمیل شده و بدویت و امنیت‌یابی در مقابل آن‌ها ارائه داد. قرآن کریم در سوره جمعه: مبارزه با جهل و بدویت و آموزش علم و حکمت را از اهداف اساسی اسلام معرفی می‌کند. ریشه‌های اجتماعی جهل و بدویت به باورهای کاذب، سنت‌ها، روابط، ساختارها و نهادهایی اجتماعی بر می‌گردد که با تصلب و استقرار خود به‌صورت تاریخی و پیوند یافتن با قدرت و منافع گروه‌های غالب، مانع اساسی آگاهی و آزادی افراد و در نتیجه، رشد عقلانی - اخلاقی و توسعه مدنی می‌شوند. مبارزه اسلام با باورهای غلط شرک‌آلود و کفرآمیز که پیوند تنگاتنگی با منافع گروه‌های غالب و صاحبان قدرت در جامعه عربستان آن زمان داشت و هم‌چنین، مبارزه با سنت‌ها، روابط و ساختارهای جهالت‌آفرین، هم‌چون زنده به گور کردن دختران، تعصب و تفاخر نژادی و قبیله‌ای و مانند آن‌ها، به‌مثابه مبارزه‌ای برای امنیت‌یابی در مقابل جهالت و علل زاینده آن بوده است (شهیدی، 1364: 4-6).

شرایط امنیتی اعراب در عصر پیشامدنی، گذشته از توصیفی که پیشتر در بیان حضرت علی(ع) و جعفر بن ابیطالب در مورد وضعیت زندگی اعراب پیش از بعثت پیامبر (ص) آورده شد (ابن اثیر، نهج البلاغه) از منظر سیاسی، بسیار اسفناگیز بوده است. چنان‌که جنگ همه قبایل - برخی از آن با عنوان جنگ سراسری قبایل پراکنده و بدوی علیه همدیگر توصیف کرده‌اند - بدین معنا که همواره میان قبایل پراکنده‌ای که بت‌های مختلفی را به‌مثابه خدا و سمبل قبیله خویش می‌پرستیدند، منازعه و جدال برقرار بود (حمیدالله، 1373: 108).

امنیت در قبایل، به‌مثابه تنها مرجع امنیتی، به‌واسطه پیوندهای خویشاوندی و انتساب و حمایت قبیله‌ای، به‌صورت نسبی برقرار می‌گردید. این در حالی بود که امنیت در روابط میان قبیله‌ای، تضمین شده نبود و آنچه مانع منازعه میان آن‌ها بود، عهود یا پیمان‌نامه‌هایی بود که به‌منظور ترک مخاصمه یا اتحاد علیه قبیل‌های دیگر برقرار می‌شد (حمیدالله، 1373: 108).

گذشته از مبارزه با زمینه‌های طبیعی و اجتماعی جهل تحمیل شده در جامعه عربستان، اسلام رسالت مبارزه با جهل تحمیل شده را به‌صورت آرمانی جهان‌شمول نیز پیگیری کرده است. در این میان، سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص) در ارسال نامه برای امپراتوران و پادشاهان زمان خود برای ابلاغ دین، نشان می‌دهد اسلام نسبت به تأثیر روابط، ساختارها و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، در شکل‌گیری، استقرار و بازتولید باورهای غلط و کاذب به‌مثابه جهلی تحمیل شده، تأکید دارد. ابلاغ اولیه دین به حاکمان و فرمانروایان و دعوت آن‌ها به زمینه‌سازی ایجاد آگاهی در مردم نسبت به دین راستین و احترام به آزادی آن‌ها در ایمان به آن، بر پایه این شناخت صورت می‌گیرد که عوامل

اجتماعی - سیاسی، از جمله ساختارها و نهادهای مرتبط با قدرت سیاسی، بالقوه می‌توانند نقش اساسی در تحمیل و تقویت جهالت یا باورهای غلط کفرآمیز یا شرک‌آلود به مردم داشته باشند (احمدی میانجی، 1362).

امنیت در برابر فقر و نابرابری

امنیت مدنی در اندیشه سیاسی اسلام، متضمن ایمن بودن یا امان‌یابی در مقابل هرگونه فقر، اعم از اقتصادی و فرهنگی است. فقر اقتصادی، علاوه بر اینکه بقای انسانی را تهدید کرده و زمینه‌ساز منازعه بر سر ارضای نیازهای اولیه طبیعت انسانی، هم‌چون خوراک، پوشاک، مسکن و مانند آن‌هاست، انسان‌ها را از توجه به خواسته‌های متعالی مرتبط با کرامت و سعادت باز می‌دارد و از این‌رو، موجبات فقر فرهنگی و اجتماعی را نیز فراهم می‌آورد. رسالت اسلام در دعوت به کشاورزی، تجارت و شهرنشینی در مقابل زندگی سخت و مشقت بار بدوی اعراب که حتی در مواقعی مجبور می‌شدند از ترس و فقر، کودکان خود را زنده به گور کنند، نشان می‌دهد؛ امنیت در برابر فقر، به‌عنوان وجهی مهم از امنیت مدنی، اهمیتی اساسی در اندیشه اجتماعی - سیاسی اسلام دارد. پیامبر اکرم (ص) در حدیث «کاد الفقر ان یكون کفرا» به فقر اقتصادی که می‌تواند منجر به فقر فرهنگی یا کفر شود، اشاره می‌فرماید (حر العاملی، 1414، ج 15: 395).

امام حسین (ع) نیز به رابطه فقر و منازعه که زایل کننده امنیت اجتماعی سیاسی است، اشاره دارند «و اللهم اعوذ بک من الفقر و: تشتت الامر» (حر العاملی، 1414، ج 13: 599). حضرت علی (ع) نیز یکی از وظایف و مسئولیت‌های خود در قبال مردم را تأمین امنیت آن‌ها در مقابل فقر و کفر معرفی می‌کند. امنیت در برابر فقر در این معنا، با زمینه‌سازی بسترهای کرامت انسانی، به امکان تعالی معنوی و سعادت نیز کمک می‌کند.

امنیت در برابر هرگونه نابرابری غیر عادلانه یا به‌عبارت دیگر، بی‌عدالتی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز وجه مهمی از امنیت مدنی در اندیشه سیاسی اسلام است. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رَسَلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِمْ النَّاسَ بِالْقِسْطِ (حدید، 25). قرآن کریم در آیات شریفه: «و لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسولُهُمُ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يَظْلَمُونَ» (یونس، 47) یکی از رسالت‌های مهم انبیا در زندگی دنیوی را برقراری عدالت در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معرفی می‌کند.

برقراری عدالت و دستیابی به امنیت در قبال نابرابری، بدون فرض برابری ذاتی انسان‌ها یا شهروندان جامعه سیاسی ممکن نیست. از این‌رو، در اندیشه سیاسی اسلام، برابری انسان‌ها در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، انکارناپذیر است. این برابری ذاتی افراد در جامعه و ضرورت رعایت حقوق برابر آن‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی دارد. برابری ذاتی انسان‌ها از منظر اسلام، مستلزم حرمت ذاتی جان، مال و آزادی او از هرگونه مداخله ناعادلانه یا تجاوز است. حضرت علی (ع) نیز در سفارش خود به مالک درباره اهمیت برقراری عدالت و دوری، زنده از ریختن خون به ناحق می‌فرماید: از ظلم برای ثبات و امنیت حکومت و زمامداری پرهیز که هیچ چیز در نزدیک ساختن کیفر انتقام، بزرگ ساختن مجازات، سرعت زوال نعمت و پایان بخشیدن به زمامداری، هم‌چون ریختن خون ناحق نیست (نهج البلاغه، خطبه 15).

امنیت در برابر سلطه‌گری

امنیت در برابر سلطه‌گری، به‌عنوان وجه مهمی از امنیت مدنی در اندیشه سیاسی اسلام، بر پایه ارزش‌های دنیوی امنیت، یعنی آگاهی و آزادی که به‌مثابه بستر ضروری توسعه مدنی و امکان سعادت اخروی عمل می‌کنند، استوار می‌گردد. سلطه‌گری را می‌توان به دو قسم داخلی و خارجی تقسیم کرد. سلطه‌گری داخلی در اندیشه سیاسی اسلام با طاغوت و استبداد مرتبط می‌شود و سلطه‌گری خارجی از تهدیدات و تجاوزات بالقوه و بالفعل رقبا یا دشمنان جامعه سیاسی اسلامی نشأت می‌گیرد.

در اندیشه سیاسی اسلام، امنیت در برابر سلطه‌گری داخلی با نفی طاغوت و استبداد به‌مثابه مانع سیاسی آگاهی و آزادی، هم‌چون بستر ضروری توسعه مدنی در بعد دنیوی و امکان سعادت در بعد اخروی وجود انسانی، مرتبط است. اسلام همواره انسان‌ها را به رهایی از سلطه طاغوت که زایل‌کننده کرامت انسان در زندگی دنیوی و امکان سعادت اخروی آن‌هاست، دعوت می‌کند. سلطه طاغوت می‌تواند با تحکیم باورهای غلط جهل تحمیل شده بر مردم تحت سلطه، امکان آگاهی از حقیقت و خیر و هم‌چنین، آزادی انتخاب مسیر حق و خیر را از مردم سلب نماید. بدین ترتیب، رهایی از سلطه طاغوت و امان‌یابی در برابر آن، از جمله رسالت‌های سیاسی اسلام برای دستیابی به کرامت و سعادت انسانی است.

قرآن کریم در آیات مختلف، هم‌چون: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنِي يَعْبُدُوا وَأَنبِؤا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادَ» (زمر، 17): «اذهبوا إلى فرعون إنه طغى. فقولا له قولا لينا لعله يتذكر أو يخشى». رهایی از شر سلطه‌گری طاغوت را لازمه دستیابی به کرامت و سعادت انسانی معرفی می‌کند و در جای دیگر سلطه طاغوت را عاری از هرگونه کرامت انسانی و در حد حیواناتی هم‌چون میمون و خوک توصیف می‌کند. بر همین اساس، اسلام هرگونه بندگی و استعانت از طاغوت را نفی کرده و آن‌را مایه گمراهی می‌داند.

اندیشه سیاسی اسلام، علاوه بر اینکه، به‌طور سلبی متضمن کسب امنیت در مقابل سلطه طاغوت است، به‌صورت ایجابی نیز دعوت به ایجاد جامعه‌ای سیاسی می‌کند که در آن با تحقق آگاهی و آزادی، به‌مثابه شرط امکان کرامت و سعادت انسانی، جایی برای سلطه و امنیت و ارزش‌های آن در اندیشه سیاسی اسلام استبداد نیست. بر همین اساس است که حتی تحمیل سلطه‌گرانه باورهای دینی نفی می‌شود، چرا که با تحقق آگاهی نسبت به حق و باطل، خیر و شر، اکنون نوبت انتخاب آزادانه راه بدون هرگونه سلطه و اجبار خواهد بود.

امنیت در برابر سلطه‌گری خارجی در اندیشه سیاسی اسلام نیز به‌صورت سلبی، با ایجاد مصونیت نسبت به تهدیدات و تجاوزات دشمنان جامعه اسلامی و به‌صورت ایجابی، با زمینه‌سازی همزیستی و صلح میان جامعه اسلامی و جوامع غیراسلامی، فراهم می‌آید. جهاد یا دفاع مشروع، به‌مثابه مکانیسم تأمین امنیت به‌صورت سلبی، در اسلام جایگاه محوری دارد و از این‌رو، جهاد در اندیشه اسلامی، اساساً جنبه‌ای دفاعی دارد، بدین معنا که از یک‌سو به‌مترله دفاع از کرامت انسانی مردم تحت سلطه طاغوت است که مانع تحقق آگاهی و آزادی و در نتیجه، امکان سعادت آن‌ها می‌شود و از سوی دیگر، به‌معنای دفاع در برابر تهدیدات و تجاوزاتی است که از جانب دشمنان متوجه جامعه اسلامی می‌شود. از این‌رو، امنیت سلبی و ایجابی در برابر سلطه‌گری خارجی، ناظر بر جهاد دفاعی در برابر تهدید و تجاوز دشمن و هم‌چنین، همزیستی و صلح با جوامع دیگر خواهد بود.

بر این اساس، جهاد یا در مقابل تهدیدات و تجاوزاتی است که در قدم اول از جانب دشمن شروع شده و یا در مقابل پیمان‌شکنی و خیانتی است که هم‌پیمانان سابق مرتکب شده و بدین ترتیب، موجبات تهدید یا تجاوزی را فراهم ساخته‌اند. غالب جنگ‌های پیامبر با یهودیان اطراف مدینه و سایر قبایل مشرک عرب، به‌دلیل همین نقض پیمان و خیانتی بود که زمینه‌های تهدید یا تجاوز به جامعه اسلامی را فراهم می‌آورد.

مسئله ارتداد یا بازگشت از اسلام نیز در همین منطق معنا پیدا می‌کند. بدین معنا که ارتداد در قرآن و سیره پیامبر، امری مرتبط با باورهای شخصی یا ایمان حقیقی افراد در جامعه اسلامی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه امری سیاسی و مرتبط با سلطه‌گری و تهدید یا تجاوز خارجی نسبت به موجودیت جامعه اسلامی و باورهای قوام‌بخش آن دانسته می‌شود. رفتار برخی یهودیان و هم‌چنین، پیامبران دروغین، هم‌چون مسیلمه کذاب، مصداق این وجه سیاسی ارتداد به‌مثابه تهدید یا

تجاوز خارجی است. یهودیان در ایجاد تزلزل در ایمان مسلمین، از طریق تظاهر به ایمان به اسلام و بازگشت از آن به دفعات مکرر، توطئه علیه پیامبر و مسلمانان راه انداختند.

پیامبر اکرم (ص) نیز در سیره سیاسی خود با اولویت دادن به اصل پیمان و صلح علاوه بر اینکه با یهودیان مدینه عهد و پیمان بستند، با قبیله کافر بنی خزاعه نیز برای دفاع مشترک از همدیگر پیمان بستند. چنان که دلیل اصلی حمله مسلمین به مکه برای فتح این شهر نیز کشته شدن برخی اعضای قبیله بنی خزاعه به دست قبیله بنی بکر، هم پیمان قریش بود، چرا که این اتفاق موجب انحلال پیمان صلح مسلمین و قریش مکه می شد (ابن هشام، 1360: 813). رویارویی نظامی پیامبر با قبایل یهود اطراف مدینه، هم چون قبیله بنی نظیر، بنی قینقاع و بنی قریظه نیز به دلیل نقض پیمانی بود که از سوی آنان انجام گرفته و مسلمانان را با تهدید و تجاوز مواجه می ساخت (واعدی، 1369: 713).

گفتمان دینی و انقلابی قابل تعمیم

در راستای حمایت از بحث پوشش های محیطی با توجه به ادله دینی و سیره و سنت نبوی، علت صوری امنیت را از دیدگاه امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار می دهیم. اصول دین و اعتقادات که بخشی از دین اسلام را تشکیل می دهند، عهده دار امنیت اعتقادی انسان است. در آنجا، انسان با مبدأ و معاد و رهبری الهی آشنا می شود. در حوزه قلبی، با فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی مسایل اخلاقی و فضائل و ردائل آشنا می شود و یاد می گیرد باید از ردائل بهره یزد و آن ها را از وجود خویش و جامعه بیرون بریزد و به فضائل آراسته شود. امام خمینی همین بحث را در ضمن روایتی از امام صادق (ع) با عنوان جنود عقل و جهل شرح کرده اند. در روایت مذکور، هفتادوپنج شاخص برای عقل و انسان عاقل و توسعه یافته و هفتادوپنج شاخص برای جهل و انسان غیرعاقل و عقب مانده ذکر شده است (کلینی، ج 21: 1). در بعد رفتارهای ظاهری انسان، فقه موضوعیت می یابد. فقیه به مکلف می گوید چه چیز واجب است و باید انجام دهد و چه چیز حرام است و نباید مرتکب شود. دیگر علوم انسانی نیز هر کدام در ساحت یکی از این حوزه ها قرار می گیرد.

در خصوص علت شکلی یا صوری امنیت، به طور عمده، سطوح و ابعاد امنیت قابل تبیین است. در الگوی امنیتی حضرت امام خمینی (ره)، انسان از سه منشأ و مرتبه عقلی، قلبی و ظاهری برخوردار است (لک زایی، 1389: 14). در شکل بندی امنیت نیز این شئون انسان مورد توجه قرار می گیرد. در شأن عقلی، صیانت از باورها و اعتقادات (امنیت اعتقادی و فرهنگی انسان) موضوعیت دارد. در مرتبه قلبی، امنیت اخلاقی، گرایش ها و منش های انسان مطرح می باشد و در مرتبه ظاهری، اعمال و رفتارهای انسان موضوعیت دارد. در مکتب امنیتی حضرت امام خمینی (ره)، اصول دین و اعتقادات به عنوان بخشی از اسلام، امنیت اعتقادی انسان را تأمین می کند. هم چنین امنیت انسان در این مرتبه، در پیوند با مبدأ، معاد و رهبری تأمین می گردد. در حوزه اخلاقی، آراستگی انسان به فضائل و نفی ردائل، گرایش های انسان را سامان می دهد. در مرتبه ظاهری، فقه با تعیین احکام عملی امنیت انسان را در کنش ها و رفتارها تأمین می کند. براساس آن چه که اشاره شد، مکتب امنیتی ملهم از گفتمان ولایت فقیه دارای سه شاخص مهم است:

یک - انسان به لحاظ تربیت عقلی، معتقد موحد مؤمن به قیامت و پیرو دستورات رهبران الهی شود؛

دو - اینکه، به لحاظ اخلاقی، به فضایل اخلاقی آراسته و از جهل و ردیلت ها دوری کند؛

سه - اینکه، از لحاظ رفتاری، پایبند به احکام شریعت باشد.

این شاخص های سه گانه در تربیت انسان نشان دهنده تعادل در شخصیت اوست و در سطح فردی، چنین انسانی از امنیت برخوردار می گردد و بر این اساس، گفته می شود، امنیت در الگوی ولایت فقیه، در سطح فردی در سه حوزه مطرح است:

اول - حوزه باورها: این حوزه مشتمل بر ابعاد عقلی، اعتقادی، فلسفی و کلامی است؛

دوم - حوزه گرایش‌ها: این حوزه مشتمل بر ابعاد قلبی و اخلاقی است؛

سوم - حوزه رفتارها: این حوزه در برگیرنده بعد ظاهری و مادی انسان است که فقه، عهده‌دار تأمین آن می‌باشد. در الگوی امنیتی ولایت مطلقه فقیه، تهدیدات در سطح فردی، متناظر با حوزه‌های سه‌گانه مذکور در بالا تعریف می‌شود. بر این اساس، ناامنی و تهدیدات شامل تهدیدات و مخاطرات در حوزه باورها، تهدیدات و مخاطرات در حوزه گرایش‌ها و بالاخره تهدیدات و مخاطرات در حوزه رفتارها و کنش‌ها قابل تبیین است (لک‌زایی، 1389: 17).

از مطالب بالا چنین برداشت می‌شود که، در الگوی امنیتی حضرت امام خمینی (ره) مهم‌ترین سطح امنیتی، سطح فردی است. علت اهمیت آن، شالوده و زیربنا بودن آن است؛ زیرا روشن است که شکل‌گیری امنیتی در تمام ابعاد، حوزه‌ها و مراتب فردی موجبات آمادگی انسان مهذب و تربیت یافته در مکتب الهی را برای تأمین امنیتی در سطوح دیگر فراهم می‌کند. سطوح دیگر امنیتی شامل امنیتی ملی، امنیتی بین‌المللی (جهان اسلام) و امنیتی جهانی است (لک‌زایی، 1389: 18).

ابعاد امنیتی در الگوی ولایت مطلقه فقیه شامل امنیتی سیاسی، امنیتی فرهنگی، امنیتی اجتماعی و امنیتی اقتصادی است که هر یک از آن‌ها به اختصار شرح داده می‌شوند.

امنیتی سیاسی: در این بُعد، استقلال، تمامیت ارضی، تمامیت ملی و عزت ملی از مهم‌ترین مصادیق امنیتی ملی می‌باشند؛

امنیتی فرهنگی: از نظر امام خمینی (ره) اسلام محور تعریف امنیتی و تهدیدات فرهنگی است. در واقع، شناخت اسلام و عمل به آن، امنیتی فرهنگی را به ارمغان می‌آورد. در این بُعد، فعالیت رسانه‌های گروهی به‌ویژه صداوسیما، مطبوعات، سینما، آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها در چارچوب آموزه‌های اسلام تأمین‌کننده امنیتی فرهنگی خواهند بود؛

امنیتی اجتماعی: صیانت از نهاد خانواده، تحقق امنیتی اجتماعی، توجه به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با موانع رشد و شکوفایی جامعه اسلامی در نیل به کمال، از محورهای امنیتی اجتماعی در سطح ملی و جهان اسلام است؛

امنیتی اقتصادی: مدیریت درست منابع و ثروت‌های ملی، استفاده بهینه و هدفمند از منابع ملی در قطع وابستگی به قدرت‌های جهانی، تأمین استقلال و خودکفایی در بُعد اقتصادی، برطرف‌سازی آسیب‌پذیری و نقاط ضعف اقتصاد ملی و ارتقا کشور به سطح بازیگران جهانی جهت ورود در حوزه رقابت‌های اقتصادی، تجارت و بازرگانی و ... از اهم مصادیق امنیتی در بُعد اقتصادی است؛

بررسی موردی و عمیق مربوط

با وقوع انقلاب و به‌دلیل ماهیت اسلامی حکومت پس از انقلاب، گفتمان فراستانی امنیت به‌جای ایدئولوژی غرب‌گرایانه، باستان‌گرایانه و اسلام‌ستیز، با ایدئولوژی اسلام‌گرایانه، غرب‌ستیزانه و باستان‌ستیزانه، شروع به بازسازی خود کرد.

در واقع، بازسازی گفتمان فراستانی امنیت، به‌معنای بازگشت به رویکرد امنیتی هدف‌محور در این گفتمان، اما براساس آرمان‌های انقلاب اسلامی بود؛ آرمان‌هایی که حمایت از جنبش‌های آزادیبخش و مستضعفین جهان در راستای تحقق امت واحده اسلامی را در اولویت قرار داده و بسط اندیشه انقلاب اسلامی در سراسر جهان را در دستورکار خود قرار داد.

بنابراین، با وقوع انقلاب اسلامی، گفتمان فراسنتی امنیت با ابتنا بر ایدئولوژی انقلاب اسلامی بازسازی شد و گسست معرفتی موجود در این مقطع، گسستی میان ایدئولوژی غرب‌گرایانه و باستان‌گرایانه پهلوی از یک‌سو و ایدئولوژی انقلاب اسلامی، از سوی دیگر بود که در نقش پادگفتمان حکومت پهلوی، به‌ویژه از 15 خرداد 1342 به بعد تکوین یافته بود. به‌عبارت دیگر، با وقوع انقلاب اسلامی، گفتمان فراسنتی امنیت بازتولیدی دیگر براساس تفسیر ایدئولوژیک از اسلام یافت که دیانت و سیاست را در هم آمیخت و مرزهای ملی را برای گنجاندن این ایده در آن ناچیز پنداشت. از این‌رو، رویکرد امنیتی هدف‌محور در این گفتمان در حال بازسازی براساس تفسیر ایدئولوژیک از اسلام، بقای ایدئولوژی اسلامی در مقابل ایدئولوژی‌های لیبرالیستی و کمونیستی را در دستورکار قرار داد و بقای این ایدئولوژی را نیز در گرو بسط آن دانست. محیط برآمده از انقلاب یا از منظر دیگر، محیطی که انقلاب در آن رویدن گرفت، محیطی کاملاً ایدئولوژیک بود. ایستارها و هنجارهای ارزشی همه چیز را در خود جذب کرده بود. شکل‌بندی اجتماعی تعریفی بس متفاوت یافته بودند. تبیین تحولات امنیتی جمهوری اسلامی ایران (در عرصه درون و برون) اهدافی انقلابی را نشانه رفته، مرزهای جغرافیایی جای خود را به مرزهای ایدئولوژیک داده، هویت اسلامی جایگزین هویت ملی شده بود و ملت‌ها بر جایگاه و منزلت دولت‌ها تکیه زده بودند.

با این پیش‌زمینه از عوامل مهمی که تأثیرگذاری شایانی در این محیط امنیتی داشتند عبارت بودند از: وحدت در بین اقشار مختلف و مسئولان که نقشی کلیدی در الگوی مدیریت و رهبری ایفا می‌کند. کارکرد وحدت، اتحاد، انسجام و تفاهم اجتماعی و سیاسی، بی‌نظیر و منحصر به فرد است. وحدت، رمزی است که آن‌را گشود و خود نیز معتقد به این رمزگشایی بود. وحدت در پیروزی انقلاب نقش اساسی داشت و در بقای انقلاب و جمهوری اسلامی نیز همان نقش را بازی می‌کند. معنای این سخن آن است که امنیت جامعه و کشور به بود و نبود یا میزان وحدت بستگی دارد. بنابراین وحدت، امر سطحی و تشریفاتی نیست، بلکه حقیقت جوهری و ذاتی در بقای ملت و دولت قلمداد می‌شود. تعبیر حضرت امام در این خصوص کاملاً روشن و آشکار است: ما پیروزی‌مان با وحدت کلمه و اتکای به اسلام بود، الله اکبر ما را پیروز کرد، حالا هم سلاح ما همان الله اکبر است. وحدت کلمه ما را پیروز کرد. حالا هم سلاح ما همان وحدت کلمه است (صحیفه امام، ج 13: 155).

به بیان بهتر، امام (ره) معتقد بودند علت مبقیه انقلاب، همان علت محدثه آن است، یعنی همان علت یا شیوه‌ای که انقلاب را به پیروزی رساند، همان است که می‌تواند موجبات حفظ و بقای آن را نیز فراهم کند.

ایشان در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود در این خصوص می‌نویسند: بی‌تردید رمز بقا انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن، انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد ... و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقا آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است یکی از شیوه‌های تأمین وحدت در چارچوب اهداف انقلاب و حفظ انقلاب حفظ مصالح یکدیگر است و ما راه طولانی دیگری داریم و آن این‌که ریشه‌های گندیده استعمار را از بیخ و بن انشاءالله به خواست خدا درآوریم و این میسر نیست مگر اینکه این نهضت را همین‌طور که تا اینجا آمده است حفظ کنید؛ این وحدت کلمه را حفظ کنید. از اختلافات دست بردارید؛ احتراز کنیم از اختلاف. ما همه برادر هستیم، همه ملت با هم برادرند. به گفته خدا مؤمنین برادر هستند؛ برادر باید مصالح برادر را حفظ کند (صحیفه امام، ج 6: 419).

همه می‌دانید که رمز پیروزی بزرگی که ملت به آن رسیده وحدت کلمه است. همه اقشار از مرکز تا اقصی بلاد کشور و هدف آن برچیده شدن حکومت طاغوتی و قطع ابادی استعمار و استثمارگران بین‌المللی و برپا شدن جمهوری اسلامی بود. اکنون احتیاج بیشتر داریم به حفظ این وحدت کلمه و وحدت و مقصد (صحیفه امام، ج 6: 262).

از دیگر عوامل موثر در این روند و رویه می‌توان به ایمان و معنویت اشاره کرد: اهمیت قدرت اسلام و معنویت، در مرکز اندیشه امام قرار دارد. توجه به ایمان و معنویت دینی، منبع لایزالی از توانمندی‌ها تولید می‌کند که امنیت و بقای ملت و کشور با آن تضمین می‌گردد: اینهایی که به مملکت ما خیانت کردند و مملکت ما را به تباهی کشاندند، آنان بودند که ایمان نداشتند. اگر در بین آن‌ها یک نفر ایمان داشت، آن یک نفر اینکارها را نمی‌کرد. آن‌هایی که خوردند و بردند و ما را به تباهی کشاندند آن‌هایی بودند که به اسلام کار نداشتند، اعتقاد نداشتند؛ به ماورای طبیعت اعتقاد نداشتند، به معنویات عقیده نداشتند (صحیفه امام، ج 7: 464).

از سوی دیگر، روحانیت نیز به‌عنوان مرجع تولید گفتمان دینی و حافظ آن، در جبهه مقدم معنویت و ایمان اسلامی قرار دارد و حفظ و بقای جامعه اسلامی بسته به آن است: چنان‌چه همه ما ... و خصوصاً روحانیت و خطبا در صحنه نباشیم و حاضر باشیم در قضایایی که می‌گذرد، مطمئن باشید که با عدم حضور شما، به سر انقلاب آن خواهد آمد که بر سر مشروطه آمد ... بر همه ما و ... همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است. اگر بنا باشد که روحانیون کنار بروند و گاهی با یک قلمی اشکالات را بگویند و در رفع اشکالات کوشش نکنند و خطبا در منابر خودشان، مسایل روز را فراموش کنند و مسایل انقلاب را فراموش کنند، این انقلاب صدمه خواهد دید (صحیفه امام، ج 15: 329)

ما همه دیدیم که در همه بلاد، معممین - معممین متعهد - در رأس مردم بودند و مردم را وادار کردند به اینکه نهضت کنند و مردم هم اطاعت کردند ... من در خدمت شما هستم. روحانیت در خدمت اسلام و در خدمت ملت است. این سد را حفظ کنید تا کشور شما حفظ بشود (صحیفه امام، ج 7: 86).

نتیجه‌گیری

شناخت دوست و دشمن برای واحدهای سیاسی مسئله مهمی است. کشورها همواره با این سوال مواجه بوده‌اند که با وجود ابهامات و پیچیدگی‌های زیاد در محیط امنیتی، چگونه می‌توان منافع امنیتی ملی را در محیط‌های هدف، مورد شناسایی قرار داد؟ چگونه و براساس چه ملاک‌هایی می‌توان منافع امنیتی ملی را تأمین کرد؟ منافع و اهداف امنیتی ملی کشور در کدام محیط امنیتی قابل تحقق، قابل ارتقا، قابل حفاظت و گسترش است؟ براساس کدام روش، می‌توان منافع امنیتی ملی را در محیط تغییر داد؟ سوالاتی از این دست ذهن مدیران، سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و طراحان راهبرد امنیتی ملی را بیش از پیش به نقش کلیدی الگوی تعقیب منافع در محیط امنیتی هدف معطوف کرده است. در مجموع می‌توان گفت، راهبرد امنیتی ملی هر کشوری با همه پیچیدگی‌ها، حساسیت‌ها و اهمیت حیاتی آن، بر بنیان و شالوده‌ای فراهم آمده از الگوی محیط‌شناسی امنیتی استوار می‌گردد.

مباحث روش‌شناسی و معرفت‌شناسی همواره مقدمه‌ای در شناخت مکتب به‌شمار می‌آیند؛ بنابراین معرفت‌شناسی حقیقی منطبق با آموزه‌های اسلامی، به‌عنوان مجموعه‌ای از جهان‌بینی و ایدئولوژی و مجموعه هست‌ها و نیست‌ها، بایدها و نبایدها و نیز شناخت قوانین و سنت‌های لایتغیر در دستیابی به الگوهای رفتاری و سبک زندگی اسلامی، منوط به روش‌شناسی اسلامی در شناخت حقایق عالم، به‌ویژه علوم انسانی خواهد بود. تأکید بر روش‌شناسی اسلامی بدان علت است که لازم است هر آن‌چه به اسلام نسبت داده می‌شود، به‌صورت اجتهادی منطبق با موازین اسلامی و برگرفته از

منابع چهارگانه قرآن کریم، سنت پیامبر و ائمه اطهار (س)، عقل و اجماع (اسلام‌شناسان) باشد. این همان اجتهاد مصطلح در حوزه‌های علمیه و همان اجتهاد پویاست که حضرت امام خمینی (ره) مطرح کردند؛ یعنی دستیابی به علم دینی، تنها با روش اجتهادی حاصل می‌شود و تنها در این صورت می‌توان آن را به دین منتسب کرد.

بنابراین در مقابل به اصطلاح نواندیشان دینی که بین دین و معرفت دینی تفاوت قائل می‌شوند و برداشت دینی را برای همگان روا می‌دارند، در حالی که ممکن است معرفت افراد از یک گزاره متفاوت باشد و در نهایت به نسبت انگاری برسد، در این دیدگاه تأکید می‌شود که معرفت دینی با اجتهاد دست یافتنی است و اینکه یک حقیقت وجود دارد و ما باید با هدایت وحی و با ابزار عقل یا اجماع (کارشناسان دینی و مجتهدین) آن را کشف کنیم؛ بنابراین کتاب و سنت به ما در کشف حقیقت کمک می‌کنند. عقل ابزار است و اگر وجود نداشته باشد، دیگر نمی‌توانیم از کتاب و سنت هم استفاده کنیم؛ در این صورت همان گرایش اخباری‌گری که قبلاً وجود داشته است و برداشتی ظاهری از قرآن و سنت حاصل خواهد شد. ما به برداشت عمیق، تحلیلی و تولید علم یعنی کشف حقیقت معتقدیم، اما تأکید بر آن است که اصالت مربوط به وحی و سنت‌های الهی برگرفته از کتاب و سنت است و عقل به‌عنوان ابزاری که با آن بتوان به حقیقت دست پیدا کرد، مطرح می‌شود؛ چنان‌که آیات «تَبَيَّنَ كُلَّ شَيْءٍ» یا «كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» رهنمون می‌شوند که کتاب و سنت مبنای همه کشف حقایق و علوم هستند و اساساً دستیابی به علوم انسانی اسلامی جز از این طریق غیرممکن است و در خوش‌بینانه‌ترین حالت چیزی شبیه معرفت‌های فردی مبتنی بر نسبی‌گرایی از اسلام و نیز غیرقابل استناد قطعی و مستحضر به حجیت دینی برای سایرین، ارائه خواهد شد.

با این پیش‌زمینه می‌توان عنوان کرد که به‌جهت عدم طراحی الگوی علمی و تخصصی در محیط‌شناسی امنیتی در جمهوری اسلامی ایران، چیستی مبانی، اصول بنیادین، ابعاد، مؤلفه‌ها و الزامات اساسی در تشخیص محیط امنیتی در بوت‌ه ابهام باقی مانده که در فرآیند طراحی الگوی محیط‌شناسی امنیتی این موارد می‌بایست مورد شناسایی و در تدوین الگو به‌عنوان کار پایه مورد ملاحظه قرار گیرند. ضعف نگرش بومی به منافع امنیت ملی و برخی بی‌توجهی‌ها به سیاست‌های ابلاغی در حوزه دفاعی - امنیتی نیز در شناخت محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح برخی از کارگزاران اجرایی، سبب بروز مشکلات عدیده‌ای در ادراک و کنش‌های معطوف به منافع، اهداف و اولویت‌های امنیت ملی شده است. این مشکلات در حوزه شناخت آسیب‌ها، چالش‌ها، تهدیدات و فرصت‌ها در ادراک بازیگران عرصه محیط ملی نیز تأثیر منفی خود را نشان می‌دهد. ناهمسویی و برداشت‌های متفاوت و بعضاً متعارض نخبگان فکری و ابزاری از چیستی و چرایی تهدیدات و فرصت‌ها، هزینه پیاده‌سازی و تحقق اهداف امنیت ملی را افزایش داده و در کنار آن نبود یک الگوی علمی، جامع، راهبردی و مورد اجماع در محیط‌شناسی امنیتی، شناخت درست و دقیق مبانی، اصول، ابعاد، مؤلفه‌ها و الزامات حاکم بر محیط امنیتی را با دشواری و موانع جدی مواجه کرده است. شناخت و رفع ضعف‌های موجود می‌تواند در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران چراغ راه و شاید راه‌گشایی باشد که از طریق آن‌ها بتوان به تدوین روش‌شناسی و استراتژی مناسب در این محیط امنیتی پرداخت.

1. ابن هشام، عبدالملک (1360)، **سیرت رسول الله**، ترجمه و انشای رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی قاضی ابرقو، تصحیح اصغر مهدوی، تهران: بنیاد فرهنگ.
2. احمدی میانجی، علی (1362)؛ **مکاتیب الرسول**، قم: یس.
1. امام خمینی، روح الله (1378)، **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج 8-12-21.
2. امام خمینی، روح الله (1378)، **کتاب البیع**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
3. امام خمینی، روح الله (1377)، **شرح چهل حدیث**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
4. حر العالمی، محمد ابن الحسن (1414)، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه**، عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
5. حمیدالله، محمد (1373)، **حقوق روابط بین الملل در اسلام: آیین جهاننداری اسلامی**.
6. شهیدی، سید جعفر (1364)، **تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
7. شیهان، مایکل (1388)، **امنیت بین الملل**، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
8. عساریان نژاد، حسین (1388)، **مطالب درسی روش شناسی محیط امنیتی**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
9. لک زایی، نجف (1386)، **اصول رهیافت امنیتی پیامبر اسلام در قران کریم، در سیره سیاسی پیامبر اعظم**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
10. مصباح، محمدتقی (1366)، **آموزش فلسفه**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
11. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (1373) **آئین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
1. واغدی، محمدبن عمرو (1369)، **مغازی (تاریخ جنگ‌های پیامبر)**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ب) لاتین

- 1- Alkire, Sabina (2003), **A Conceptual Framework for Human Security**, Oxford: Oxford University Press.
- 2- Jepperson, Ronald L, Alexander Wendt & Peter J. Katzenstein, (1996), Norms, Identity, and Culture in National Security, in Peter J. Katzenstein, ed, **The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics**, New York: Columbia University Press, 58- 84.
- 3- Holsti, k. J (1996), **The State, War and the State of War**, Cambridge: Cambridge University.
- 4- Taylor, peter. M (1967), **Normative Political Theory**, New Jersey: Pentic Hall.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی